

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون ماليات بر عايدات

فصل اول

احكام عمومي

مبني

ماده اول:

- (1) اين قانون به تاسی از حكم ماده چهل و دوم قانون اساسی افغانستان به منظور تعيين ماليه و طرز تاديه آن وضع گردیده است.
- (2) ماليه، تاديه الزامی است که به منظور تقويه بنيه مالی دولت و رفاه عامه بدون انجام خدمت متقابل يا ارايه جنس از اشخاص حقيقي و حکمی طبق احكام اين قانون اخذ می گردد.
- (3) هر نوع ماليه که توسط ادارات دولتی و يا غير دولتی مطابق احكام اين قانون وضع ياتحصيل می گردد، به حساب معينه دولت، (وزارت ماليه) تحویل بانک گردد.

اصطلاحات

ماده دوم:

- (1) اصطلاحات آتی در اين قانون مفاهيم ذیل را افاده مينمايد:

هوتل و مهمانخانه: محل تهیه خوابگاه و ارائه خدمات (نان، نوشابه، لباس شویی و خدمات مخابراتی) به

اشخاصی است که مؤقّتاً به حيث مسافر در آنجا اقامت دارند؛

رستوران: محل تهیه غذا يا نوشابه توسط تاسيسات که در آنجاه تسهيلات صرف عاجل غذا به مراجعين فراهم می گردد و رسانیدن غذای تهیه شده ويا به معنی فروش غذای طبخ شده که در محوطه رستوران آماده شده باشد؛

خدمات مخابراتی: به معنی فراهم نمودن هرنوع خدمات تيلفونی، انترنت و فکس میباشد؛ و

خدمات خطوط هوائی: خدمات مسافری يا کارگو که مبداء پرواز آن افغانستان باشد؛

قرارداد هاي دروکارين ها: عبارت از یک قرارداد تفحص يا قرارداد خدمات مندرج هرقانون ايکه در مورد

هاي دروکارين ها در افغانستان تطبیق گردد، میباشد. هاي دروکارين ها عبارت از نفت و گاز و ساير مشتقات آن می باشد؛

قرارداد انکشاف منرال ها: چنانچه در قانون سال 1393 معادن تشریح گردیده يا ممکن بعداً در یک قانون

قابل تطبیق بالای انکشاف منرال ها تشریح گردد، موافقتنامه کتبی است که میان دولت و شخص حکمی عقد می گردد؛

جواز معدن: جوازی است که در قانون سال 1393 معادن تشریح گردیده يا ممکن بعداً در یک قانون قابل

تطبیق بالای صدور جواز معدن تشریح گردد؛

دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن و يا قرارداد هايديروكاربن: به مؤدى اطلاق ميگردد كه

دارنده جوازنامه معدن يا قرارداد انكشاف منرال ها و يا يكي از جوانب ذيدخل در قرارداد هايديروكاربن باشد.

دارائي دارنده جواز معدن: عبارت از دارائي است كه:

- عمر مؤثر بيشتراز دوازده ماه داشته باشد.
- به منظور استفاده مستقيم در فعاليت هاي مندرج جواز معدن، قرارداد انكشاف منرال ها و يا قرارداد هايديروكاربن خريداري يا اعمار شده باشد.

مصارف قبل از توليد: عبارت از مصارفي است كه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن، و يا قرار داد هايديروكاربن قبل از توليد تجارتي مواد معدني در مدت فعاليت مربوط به جواز معدن، اجازه نامه معدن متقبل شده باشد. با آنهم، مصارف قبل از توليد دربرگيرنده مصارف حصول دارائي دارنده جواز معدن، قرارداد و اجازه نامه معدن و يا قرار داد هايديروكاربن معادن يا مصارف اعمار سر ك نمي باشد.

عواید منابع افغانی: عوایدی است كه يك شخص از اشتغال يا فعاليت اقتصادي انجام شده در افغانستان يا هر نوع عايد ديگر كه مطابق اين قانون عوايد منابع افغانی محسوب گردد، بدست مي آورد.

عواید منابع غير افغانی: عوایدی است كه اشخاص مقيم افغانستان از منابع ساير كشورها بدست مي آورند.

عواید قابل ماليه: مجموع مبالغ حاصله اشخاص حقيقي و حكومي بوده كه بعد از مجرائي معافيت ها و وضع كسرات مندرج اين قانون، تابع ماليات بر عايدات مي باشد.

كسرات: مصارف توليد و مصارف بدست آوردن و محافظه عايدات بوده مشروط بر اينكه اين مصارف در بدست آوردن عوايد قابل ماليه صورت گرفته باشد، و هرگونه مبلغ ديگر كه مطابق اين قانون منحيث مجرائي مجاز دانسته شده باشد.

ضرر مالياتي: مبلغی است كه بعد از مجرائي هاي مندرج اين قانون از عايدات بيشتراز باشد.

مفاد سهم: هر نوع توزيع مفاد كه از طرف شركت هاي سهامی يا محدود المسئوليت به شكل پول، دارائي يا هر نوع مفاد به سهامداران صورت گرفته و شامل موارد ذيل مي باشد:

1. هر نوع دارائي ملموس و غير ملموس.
2. اسهام.
3. تخفيف در فروش هر نوع دارائي به سهامداران پايين تر از نرخ روز.
4. قرضه به سهامداران.
5. استفاده از هر نوع دارائي.

شراكت: اتحاد دو يا بيشتراز دو شخص است كه به اساس توافق شراكت فعاليت نموده و نفع يا ضرر آنرا تقسيم مينمايند.

شريك: شخصي است كه در شراكت سهم باشد.

موافقتنامه شراكت: مجموع قواعديست كه شركا آنرا قبول نموده و به اساس آن شراكت را اداره مينمايند.

شرکت تضامنی: شرکتی است که هر یک از شرکا طور انفرادی یا دسته جمعی مکلف به تادیه تمام قروض و دیون شرکت می باشند.

شرکت تضامنی مختلط: شرکتی است که در آن یک یا چند شریک نسبت به قروض و دیون شرکت دارای مسئولیت تضامنی و غیر محدود بوده و متباقی شرکا دارای مسئولیت محدود به اندازه سهم شان در شرکت می باشند.

شرکت محدودالمسؤولیت: شرکتی است که سرمایه آن غیر منقسم به اسهام بوده و مسئولیت هر سهم دار محدود به اندازه سرمایه توافق شده در شرکت میباشد.

شرکت سهامی: شرکتی است که سرمایه آن معین و منقسم به اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر سهامدار به اندازه سهم آن محدود باشد.

مقر دایمی عبارت است از:

1. محل ثابت که از طریق آن فعالیت یک شخص کلاً و یا قسماً پیشبرده می شود و (محل اداره، نمایندگی، دفتر، فابریکه، ورکشاپ، معدن، چاه نفت و گاز، معدن سنگ و یا هر محل دیگری که منابع طبیعی از آن استخراج گردد) را شامل میگردد.
2. ساحه یک تعمیر، ساختمان، تاسیسات، محل بسته بندی و یا فعالیت های نظارتی مربوط به آن، صرف در صورتیکه چنین یک ساحه، پروژه یا فعالیت ها برای مدت بیشتر از 6 ماه ادامه یابد.
3. ارائه خدمات بشمول خدمات مشورتی توسط یک شخص از طریق کارمندان یا سایر کارکنان که توسط شخص مذکور برای چنین هدف گماشته شده اند صرف در صورتیکه چنین فعالیت ها (برای عین پروژه یا پروژه وابسته) برای دوره یا دوره های بیشتر از 6 ماه در طول یک دوره 12 ماهه دوام کند.

فیس خدمات تخنیکی: به معنی هر گونه پرداخت در بدل هر نوع خدمات مدیریتی، تخنیکی یا مشورتی بوده، اما شامل پرداخت مزد معاشبه کارمند تادیه کننده نمی باشد.

حق الامتیاز: به معنی هر نوع تادیات به یک شخص بمنظور استفاده، و یا حق استفاده از هر نوع طبع و نشر کار های ادبی، هنری و یا علمی، فلم های سینمایی، فلم ها یا کست ها برای استفاده در رادیو و نشرات تلویزیون و هر نوع اختراع، نشان تجارتي، طرح و دیزاین، پلان، فورمول یا فرایند سری و یا برای استفاده یا حق استفاده، تجهیزات صنعتی، تجارتي، یا علمی یا معلومات مربوط به تجارب صنعتی، تجارتي و یا علمی می باشد.

فعالیت اقتصادی: فعالیتی است که به هدف کسب عواید، مفاد و حقوق، بشمول ارایه خدمات مسلکی و اجاره دادن هر گونه دارایی می باشد. فعالیت اشخاص حقیقی در مقابل معاش و دستمزد، فعالیت های خیریه و خدمات عامه ادارات دولتی شامل این تعریف نمی گردد.

فعالیت تجاری: به معنی عرضه و اجاره اجناس، کرایه دادن دارایی یا فراهم نمودن خدمات در مقابل قیمت می باشد.

فعاليت خيريه: فعاليتي است كه توسط يك نهاد غير انتفاعي صورت گرفته و شامل فراهم نمودن مواد يا هر گونه مساعدت ديگر، بشمول مساعدت هاي پولی به اشخاص نيازمند يا به نهادهای كه چنين كمك را بشكل مستقيم فراهم مينمايند، يا فعاليت تعليمي و تحصيلي، فرهنگي، ادبي، علمي يا ساير فعاليت هاي كه براي منافع عامه صورت ميگيرد، ميباشد.

دارايي غير ملموس: به معني هر گونه جواز، حق اختراع، طرح يا مدل، پروسه يا فورمول هاي محرم، علامت تجارتي، حق طبع يا حق عقد قرارداد با يك امتياز يا منفعت براي مدت بيش از يك سال، ميباشد؛ به استثنای مصرف جهت كسب هر گونه دارايي ملموس يا غير ملموس.

ارزش تقليل يافته: به معني ارزش دارايي قابل استهلاك مطابق اين قانون منفي كسرات مجاز بابت استهلاك دارايي ملموس يا غير ملموس، ميباشد.

مال التجاره: به معني هر گونه اجناس يا مواد پروسس شده، توليد شده يا خريداري شده براي فروش يا تبادل جهت كسب مفاد بوده و شامل هر گونه مواد يا لوازم قابل مصرف در پروسه توليد، و مالداري ميباشد.

ماليه خارجي: به معني ماليات بر عايدات تاديه شده بابت عوايد يا وضع شده از عوايد به كشور خارجي بوده، اما هيچ گونه جرئمه، ماليه اضافي، يا تكتانه مربوط به ماليات بر عايدات خارجي را شامل نميگردد.

اشيای دوامدار: يعني ماشين آلات، وسايل، لوازم برقي، آبرساني و فرنيچر، يا مصارف الحاقيه يا بهبود اقلام نامبرده.

دارايي قابل استهلاك: هر گونه دارايي منقول و غير منقول ماليه دهنده، بشمول تغييرات ساختاري در آن بوده كه و عمر موثر آن بيش از يك سال باشد و از آن قسماً يا كلاً در فعاليت اقتصادي استفاده گردد، اما شامل زمين و آثار هنري نميشود.

شخص حقيقي: به هر يك از افراد نوع بشر گفته ميشود كه شخصيت وي با تولد كامل، بشرط زنده بودن، آغاز و با وفات ختم ميشود.

شخص حكمي: شخصيت معنوي است كه واجد اهليت حقوقي بوده و بنا بر اهداف معين بشكل مؤسسه، شركت، يا جمعيت تشكيل ميگردد.

معاش و دستمزد: به معني هر نوع تاديات يا منفعتي كه منحيث يك امتياز در بدل ارائه خدمات توسط يك كارمند، تسهيل ميگردد.

ماليه معاملات انتفاعي: ماليه اي است كه بالای مجموع عوايد (فروشات) قبل از وضع كسرات، از بابت تهيه اجناس و خدمات مطابق اين قانون وضع ميگردد.

جواز فعاليت: به معني جواز صادر شده توسط ادارات حكومتي بوده كه به دارنده آن اجازه ميدهد تا فعاليت اقتصادي را در افغانستان انجام دهد.

(2) اصطلاحاتي كه در اين قانون تعريف نگردیده و در صورتی كه در قوانين مالياتي تعريف شده باشد، در اين قانون نیز عين مفهوم را افاده مينمايد.

اخذ ماليه

ماده سوم:

- 1) مطابق احكام اين قانون، اشخاص حقيقي و حكمي مكلف به پرداخت ماليه قرار ذيل ميباشند:
1. اشخاص مقيم، از عوايد سراسري (عوايد از منابع افغاني و غير افغاني).
 2. اشخاص غير مقيم، صرف از عوايد منابع افغاني.
- 2) اشخاص حقيقي و حكمي واجد شرايط ذيل مقيم افغانستان پنداشته مي شوند:
1. در صورتيكه اقامتگاه اصلي شخص در طول سال مالي در داخل کشور باشد.
 2. در صورتيكه شخص در طول سال مالي، مجموعاً مدت (183) روز را بداخل افغانستان سپري نموده باشد.
 3. کارکنانیکه در طول سال مالي به منظور انجام خدمات دولتي به خارج از کشور توظيف گرديده باشند.
 4. اداراتیکه تأسيس آن در طول سال مالي صورت گرفته يا اداره مرکزی آن به داخل افغانستان باشد..

سنجش ماليه

ماده چهارم:

- 1) ماليات بر عايدات اشخاص حكمي، بيست فيصد عوايد قابل ماليه آن در سال مالي مي باشد.
- 2) ماليات بر عايدات عوايد اسعاري به پول افغاني سنجش و تسعير ميگردد. نرخ تسعير، اوسط نرخ آزاد د افغانستان بانک به اساس خريد در اخير هر ماه مي باشد.
- 3) ماليات بر عايدات اشخاص حقيقي مطابق جدول ذيل سنجش مي گردد.

عوايد قابل ماليه	مقدار ماليه
از صفر الي مبلغ پنج هزار افغاني	صفر (معاف)
از مبلغ پنج هزار ويك الي دوازده هزار و پنجصد افغاني	دو فيصد
از مبلغ دوازده هزار و پنجصد و يك الي يكصد هزار افغاني	بر علاوه مبلغ ثابت (150) افغاني ، (10) فيصد
از مبلغ يكصد ويك افغاني به بالا	بر علاوه مبلغ ثابت (8900) (20) فيصد

مجرايی مالیه خارجی

ماده پنجم:

- (1) هر گاه شخص مقيم از منابع غير افغانی عوايد تابع مالیه در افغانستان داشته باشد و بابت آن مالیه خارجی پرداخت نموده باشد، شخص مذکور میتواند مجرايی ماليات خارجی را در مقابل ماليات بر عايدات همان عايد در افغانستان اخذ نماید.
- (2) مبلغ مجرايی مالياتی مندرج فقره (1) اين ماده از تناسب مبلغ مالیه افغانستان که به آن عوايد مرتبط است، بیشتر نمی باشد.

معافیت مالیاتی اشخاص غير مقيم

ماده ششم:

- اشخاص غير مقيم در صورتی از پرداخت ماليات بر عايدات مندرج فقره (3) ماده چهارم اين قانون معاف میگردند که اين معافیت از طرف دولت متبوع آنها بصورت بالمثل برای اشخاص افغانی غير مقيم آن کشور اعطا گردیده باشد.

فعالیت های اقتصادی اشخاص غير مقيم

ماده هفتم:

- (1) اشخاص حقیقی و حکمی غير مقيم که مصروف فعالیت های اقتصادی از طریق مقر دائمی در افغانستان بوده، از درك عوايد مرتبط به مقر دائمی تابع مالیه می باشند.
- (2) عوايد فعالیت های اقتصادی در صورتی مرتبط به مقر دائمی پنداشته میشود که از طریق مقر دائمی یا از فعالیت های مشابه مقر دائمی بدست آید.
- (3) شخص غير مقيم که فعالیتهای اقتصادی را از طریق مقر دائمی در افغانستان انجام میدهد، به منظور تعیین عوايد قابل مالیه شخص مذکور منحيث شخص حکمی جدا گانه تلقی میشود.
- (4) کسرات به منظور سنجش ماليات بر عايدات مطابق اين قانون در صورتیکه به مقر دائمی تشبث ارتباط بگیرد قابل مجرايی است. مبالغ وضع شده یا پرداخت شده به دفتر مرکزی یا به قسمت دیگر تشبث شخص غير مقيم به شکل تکتانه، حق الامتياز، کمیشن یا فیس خدمات به حيث کسرات قابل مجرايی نمیشد.

مالیه اشخاص غير مقيم بالای سایر عوايد

ماده هشتم:

- (1) اشخاص حقیقی و حکمی غير مقيم در صورتی تابع ماليات بر عايدات میباشد که عوايد مندرج اين ماده را از منابع افغانی تحصیل نمایند.
- (2) عوايد ذیل عوايد منابع افغانی محسوب میگردد:
 1. تکتانه یا فیس بابت قرضه، فیس خدمات تخنیکي، حق الامتياز، جوايز، مکافات، قرعه و بخششی ها که توسط شخص مقيم پرداخت گردد یا با فعالیت های مقر دائمی مرتبط باشد؛

2. مفاد سهم که توسط شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت مقیم پرداخت یا پرداخت شده پنداشته شود؛
3. کرایه از درك دارایی منقول یا غیر منقول که در افغانستان موقعیت داشته باشد
4. مفاد بابت فروش دارایی منقول و غیر منقول که در افغانستان موقعیت داشته باشد.
5. حق البیمه بشمول بیمه مجدد، در صورتیکه سند بیمه خطر بوجود آمده در افغانستان را تحت پوشش قرار دهد؛
6. معاش یا دستمزد بابت وظایف در افغانستان.
7. سایر عواید که مطابق احکام این قانون عواید منابع افغانی تلقی میگردد.

مالیه مفاد نمایندگی

ماده نهم:

- (1) شخص غیر مقیم که مطابق به حکم ماده هفتم این قانون تابع مالیات بر عايدات بوده، مکلف به وضع مالیه از مفاد خالص نمایندگی نیز میباشد.
- (2) مالیه موضوعی مندرج فقره (1) این ماده مالیه مفاد سهم تلقی شده و حین انتقال مفاد نمایندگی به خارج از افغانستان، وضع میگردد.
- (3) مبلغ تابع مالیه موضوعی به منظور این ماده مفاد خالص میباشد که بعد از محاسبه مالیات بر عايدات باقی میماند.

فعالیت های معاف از مالیه

ماده دهم:

- (1) فعالیت یک نهاد غیر انتفاعی در صورتی از پرداخت مالیات معاف میباشد که شرایط ذیل را تکمیل نماید:
 1. مطابق قوانین افغانستان تاسیس گردیده باشد.
 2. بمنظور پیشبرد فعالیت های خیریه ایجاد و فعالیت نماید.
 3. تمویل کنندگان، سهامداران و اعضاء یا کارکنان مربوط، از مفاد نهاد مندرج اجزای (1 و 2) این فقره حین فعالیت یا انحلال استفاده نمایند. پرداخت متناسب در بدل ارایه خدمات و تهیه اجناس از این حکم مستثنی است.
 4. هرگونه فعالیت اقتصادی نهاد که مرتبط به فعالیت خیریه بوده و در محوطه نهاد اجراء شود و عواید آن بیشتر از 5% مجموع دریافت های آن نهاد نباشد.
- (2) مساعدت ها و عواید بدست آمده توسط نهاد مندرج فقره (1) این ماده که بمنظور حمایت از فعالیت های خیریه استفاده میگردد از پرداخت مالیه معاف میباشد.

معافیت مالیاتی ادارات دولتی

ماده یازدهم:

عواید ادارات دولتی و نمایندگی های آن بشمول شاروالی ها تابع مالیات نمی باشند. تصدیهای دولتی از این حکم مستثنی اند.

فصل دوم

تعيين عوايد قابل ماليه

عوايد تابع ماليه

ماده دوازدهم:

(1) عوايد ذيل تابع ماليات بر عايدات ميباشد:

1. معاش، دستمزد، فيس و كميشن؛
 2. مجموع عوايد معاملات تجارتي، صنعتي، ساختماني و ساير فعاليت هاي اقتصادي؛
 3. تكتانه، مفاد سهم، كرايه، حق الامتياز، جوائز، مكافات، عوايد از درك قرعه و بخششي ها؛
 4. مفاد از فروش يا تبادل ملكيت منقول و غير منقول؛
 5. سهم شريك از عايد شركت تضامني؛
 6. ساير عوايد يا منفعت غير پولی از كار، سرمايه يا فعاليت اقتصادي.
 7. مبالغ يا منفعت كه مطابق ساير احكام اين قانون عوايد تابع ماليات بر عايدات تلقي ميگردد.
- (2) هرگاه شخص مصارف، ضرر يا قروض لاحصول خویش را بعد از مجرايی قسماً يا كلاً دوباره دريافت نمايد، مبلغ دريافت شده عوايد تلقي ميگردد.

عوايد معاف از ماليه

ماده سيزدهم:

مبالغ ذيل تابع ماليه نبوده و شامل اظهارنامه ماليه دهنده نمی گردد:

1. تحايف، انعامات و كمك هاي بلاعوض (به استثنای كمك هاي بلاعوض به فعاليت هاي اقتصادي) از طرف دولت افغانستان؛
2. تحايف، انعامات و كمك هاي بلاعوض از طرف دول خارجي، مؤسسات بين المللي يا مؤسسات غير انتفاعي به منظور فعاليت هاي خيره؛
3. سكالرشپ ها، فيلوشپ ها و ساير كمك ها به منظور آموزش يا ارتقاي ظرفيت علمي، فني و مسلكي؛
4. عايد از بيمه صحي، تصادم و منافع بيمه بيكاري؛
5. عايد از بيمه حيات كه بعد از مرگ تاديه ميگردد؛
6. غرامات يا تلافی خسارات ناشی از جرح، مريضی يا اعاده حيثيت؛
7. استقراض يا حصول اصل قرضه از مديون؛
8. مبالغ حاصله از صدور اسناد سهم و اسناد قرضه توسط شركت ها؛
9. حصول دارايی از طريق الحاق شركت هاي سهامی داخلي و ساير شخصيت هاي حكمی؛
10. حصول دارايی منقول يا غير منقول از طريق سلب حقوق ملكيت مديون توسط داین؛

11. عوايد از درك قيمت مواد غذائي، مواد احتراقي و اجناسيكه شخص توليد كننده يا اعضاي فاميل وي آنرا به مصرف رسانيده يا مورد استفاده قرار ميدهد؛
12. حقوق تقاعد كه توسط حكومت تاديه ميگردد؛
13. عايد حاصله از انتقال يا فروش دارايي بدست آمده از طريق ميراث؛
14. عوايد حاصله از فعاليت طيارت و كاركنان آن كه تحت بيرق دول خارجي در قلمرو افغانستان فعاليت مينمايند، به شرطي از تاديه ماليه معاف ميباشد كه دول خارجي به عوايد فعاليت طيارت و كاركنان آن كه تحت بيرق افغانستان در آن كشور فعاليت مينمايند، معافيت مشابه بدهند.
15. ساير عوايدي كه بر اساس احكام اين قانون، ساير قوانين مالياتي يا موافقتنامه هاي بين المللي نافذه از ماليه معاف باشد.

ماليات بر كرايه يا اجاره اموال غير منقول

ماده چهاردهم:

عوايد از درك كرايه يا اجاره اموال غير منقول كه به منظور تجارت، صنعت، سكونت يا ساير فعاليت هاي اقتصادي مورد استفاده قرار ميگيرد، تابع ماليات بر عايدات ميباشد. ماليه اراضي زراعتي و باغي و ماليه مواشي همراه با عوايد آن تابع قانون خاص است.

مصارف و كسرات

ماده پانزدهم:

(1) مجرايي مصارف و كسرات ذيل مجاز بوده مشروط بر اينكه در خلال سال مالي صورت گرفته باشد:

1. تمامي مصارف عادي و ضروري توليد، بدست آوردن و محافظه عوايد از فعاليت هاي اقتصادي تابع ماليه؛
2. مصارف ترميم، حفظ و مراقبت اموال و ملكيتي كه در فعاليت هاي اقتصادي ضروري بوده و مورد استفاده قرار ميگيرد؛
3. مصارف استهلاك دارايي قابل استهلاك مطابق احكام اين قانون كه در فعاليت هاي اقتصادي ضروري بوده يا مورد استفاده قرار ميگيرد؛
4. مصارف استهلاك دارايي هاي غير ملموس مطابق احكام اين قانون؛
5. خسارات وارده ناشي از حوادث غير مترقبه به اموال منقول و غير منقول، مشروط بر اينكه برويت اسناد معتبر ثابت شده و از طرف نهادهاي بيمه يا ساير اشخاص جبران نشده باشد؛
6. قروض لاحصول مطابق اين قانون؛
7. ضرر مالياتي مطابق احكام اين قانون؛

8. ماليه معاملات انتفاعی قابل تاديه؛

9. ساير مبالغ قابل مجرای مطابق احكام اين قانون.

(2) مصارف قابل مجرای مال التجاره مطابق احكام اين قانون تعيين ميگردد..

مصارف غير قابل مجرای

ماده شانزدهم:

(1) كسر و وضع مصارف شخصی بشمول اقلام ذیل غير مجاز بوده قابل مجرای نميباشد:

1. معاش و دستمزد يا ساير مصارف در بدل خدمات فراهم شده به ماليه دهنده يا فاميلش خارج از روند فعاليت اقتصادي؛
2. مصارف حفظ و مراقبت، ترميم، تعمير، مفروشات و ساير مصارف حويلی يا محل رهائش فاميل ماليه دهنده يا هر مال و ملكيتی كه مختص به استفاده ماليه دهنده و يا فاميلش باشد؛
3. تكتانه بر ديون شخصی يا بمنظور استفاده شخصی؛
4. مصارف رفت و آمد به محل كار و مصارف سفر به مقاصد شخصی؛
5. مصرف بيمه حيات، تصادم، صحت و بيمه عليه ادعای ديگران بمنظور مصئونيت ماليه دهنده و فاميلش؛
6. مصارف هر نوع بيمه غرض محافظت اموال و ملكيت كه به مقاصد شخصی مورد استفاده قرار ميگيرد؛

(2) كسر و وضع مصارف در موارد آتی نیز غير مجاز بوده قابل مجرای نميباشد:

1. قيمت تمام شد زمين، تعميرات، اشيای دوامدار و مصارف الحاقیه، مگر اينكه در اين قانون طور ديگری پيش بينی شده باشد؛
2. افزودی به ذخيره احتياطي، ذخيره به مقصد قروض لاحصول و امثال آن؛
3. ماليات تاديه شده به دول خارجی از طرف اشخاص غير مقيم كه از منابع داخل افغانستان عوايد حاصل می نمايند، مگر اينكه معاهده ای در مورد وجود داشته باشد؛
4. ماليه اضافی يا جریمه های وضع شده مطابق قانون؛
5. مصارف و ضرر بابت فروش يا انتقال دارایی های مندرج ماده بيست و دوم مرتبط به ميراث؛
6. ساير مصارف مغاير احكام اين قانون.

مجرای قروض لاحصول

ماده هفدهم:

(1) قروض لاحصول منحيث كسر، در صورتی قابل مجرای ميباشد كه شرايط ذیل را تكميل نموده باشد:

1. مبلغ قرضه در عوايد قابل ماليه قبلاً شامل گرديده باشد؛

2. قرضه در حسابات مالیه دهنده در جریان سالی مالی حذف گردیده باشد؛ و
3. دلایل موجه مبنی بر اینکه قرضه حصول نخواهد شد نزد مالیه دهنده وجود داشته باشد.
- (2) حکم فقره (1) این ماده بالای شرکت های مندرج **فصل هشتم** این قانون قابل تطبیق نمی باشد.

استهلاك دارایی های ملموس و غیر ملموس

ماده هجدهم:

- (1) استهلاك سالانه دارایی های ملموس یا غیر ملموس مطابق نورم مندرج این ماده، تعیین و مجرای داده میشود.
- (2) هرگاه یک دارایی در خلال سال مالی قسماً به مقصد فعالیت های اقتصادی و قسماً به مقاصد دیگر استفاده گردد، استهلاك دارایی متذکره متناسب به فعالیت اقتصادی تعیین و مجرای داده میشود.
- (3) ارزش تقلیل یافته یک دارایی در آغاز سال مالی، قیمت دارایی مذکور منفی استهلاك مندرج فقره (1) این ماده در سالهای قبل میباشد.
- (4) مجموع کسرات مندرج فقره (1) این ماده بابت استهلاك یک دارایی، بیشتر از قیمت تمام شد دارایی مذکور نمی باشد.
- (5) نورم استهلاك دارایی های قابل استهلاك قرار ذیل میباشد:

نورم	کنگوری دارایی ها
5%	تعمیرات و ساختمانهای کانکریتی و ساخته از سنگ و خشت پخته
10%	تعمیر و ساختمانهای خامه و چوبی، ترانسپورت هوایی، ترانسپورت خط آهن، پایپ لین ها، لین ها و پایه های برق، پایه های شرکت های مخابراتی، کشتی ها
20%	تمام وسایط نقلیه دارای موتور، ماشین آلات، تجهیزات صنعتی، تولیدی و تجهیزات مربوط به استخراج معادن، وسایل، فرنیچر، مفروشات
25%	کمپیوتر، وسایل چاپ و ارتباطات، ماشین های فوتوکاپی، سایر وسایل برقی، وسایل الکترونیکی، یابسکل و مواشی
10%	سایر دارایی های قابل استهلاك که در فوق از آن ذکر نشده است

- (6) استهلاك دارایی های غیر ملموس قرار ذیل مجرای داده میشود:
 1. دارایی های غیر ملموس با عمر موثر بیشتر از ده سال (10٪).
 2. دارایی های غیر ملموس با عمر موثر کمتر از ده سال (25٪).
- (7) مجرای استهلاك از سالی که دارایی در آن حصول گردیده آغاز میگردد.
- (8) احکام خاص در مورد استهلاك دارایی های دارنده گان جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قراردادی های هایدروکاربن در فصل دوازدهم این قانون تصریح شده است.

فصل سوم

مفاد یا ضرر از درک فروش، تبادل یا انتقال دارائی

فروش یا انتقال دارایی های ملموس و غیر ملموس قابل استهلاك

ماده نهم:

- (1) هرگاه شخص دارایی ملموس و غیر ملموس قابل استهلاك را در جریان سال مالی بفروش رسانیده یا انتقال نماید، مستحق مجرای استهلاك دارایی متذکره بابت همان سال نمی باشد.
- (2) هرگاه قیمت دریافت شده از فروش یا انتقال دارایی ملموس و غیر ملموس قابل استهلاك در شروع سال مالی بیشتر از ارزش تقلیل یافته آن باشد، مبلغ اضافی عواید فعالیت اقتصادی شخص پنداشته شده و در عواید همان سال وی شامل میگردد.
- (3) هرگاه قیمت دریافت شده از فروش یا انتقال دارایی ملموس و غیر ملموس قابل استهلاك در شروع سال مالی کمتر از ارزش تقلیل یافته آن باشد، تفاوت آن در همان سال قابل مجرای میباشد.

فروش یا انتقال سایر دارایی ها

ماده بیستم:

- (1) مفاد از درک فروش یا انتقال هرگونه دارایی که تابع حکم ماده نهم قرار نداشته، عواید محسوب گردیده، مشروط بر اینکه دارایی متذکره بمنظور فعالیت های اقتصادی نگهداری یا استفاده شده باشد.
- (2) ضرر از درک فروش یا انتقال هرگونه دارایی که تابع حکم ماده نهم نباشد، قابل مجرای بوده مشروط بر اینکه دارایی متذکره بمنظور فعالیت های اقتصادی نگهداری یا استفاده شده باشد.

عواید فروش یا انتقال دارایی

ماده بیست و یکم:

- (1) حین تعیین مفاد یا ضرر مندرج این فصل، مصارف فروش بشمول کمیشن، اعلانات و سایر مصارف انتقال دارایی از عواید ناخالص فروش یا انتقال دارایی مذکور، کسر میگردد.
- (2) هرگاه دارایی بدون پرداخت پول یا کمتر از نرخ روز فروش یا انتقال گردد، عواید دارایی متذکره براساس نرخ روز تعیین میگردد.

مالیات فروش دارایی های منقول و غیر منقول

ماده بیست و دوم:

- (1) فروش یا انتقال دارایی منقول یا غیر منقول توسط یک شخص، تابع یک فیصد مالیه در زمان انتقال مالکیت دارایی مذکور میباشد.
- (2) مالیه پرداخت شده مندرج فقره (1) این ماده در مقابل مالیات بر عایدات سالانه شخص قابل مجرای می باشد.

فصل چهارم شرکت ها

احكام قابل تطبيق بالای شرکت های محدود المسئولیت و تضامنی مختلط

ماده بیست و سوم:

- (1) شرکت محدودالمسئولیت تابع احكام قابل تطبيق این قانون در مورد شرکتهای سهامی میباشد. به منظور این قانون، شرکای همچو شرکت، سهامداران و توزیع مفاد آن، مفاد سهم پنداشته میشود.
- (2) شرکت تضامنی مختلط تابع احكام قابل تطبيق این قانون در مورد شرکت های تضامنی می باشد.

ماليات شرکت تضامنی

ماده بیست و چهارم:

شرکت تضامنی منحيث شخص حکمی تابع ماليات بر عايدات مندرج این قانون نمی باشد. شرکا منحيث اشخاص حقیقی طور انفرادی تابع ماليات بر عايدات میباشد.

عايدات شرکت تضامنی بصورت عايدات انفرادی شرکا که هر یک آن مکلف است سهم خود را از عايدات شرکت در عوايد تابع مالیه خود داخل نماید، تابع پرداخت ماليات بر عايدات میباشد.

تعیین عوايد خالص شرکت تضامنی

ماده بیست و پنجم:

شرکت تضامنی مکلف است، سالانه از تمام مبالغ حاصله، مصارف و تادیات مربوط راپور داده و عوايد خالص خود را طور انفرادی تعیین نماید. شرکت مکلف است به صورت جداگانه از سهم هر شریک در موارد ذیل گزارش دهد:

- 1 - مفاد خالص یا ضرر خالص.
- 2 - مفاد یا ضرر از درك فروش یا تبادلہ اموال و ملکیت منقول و غیرمنقول .
- 3 - معاش و دستمزد، تکت پولی، مفاد سهم، پیش پرداخت و امثال آن.

تقسیم مبالغ حاصله شرکت تضامنی

ماده بیست و ششم:

مبالغ حاصله، مصارف و مفاد خالص شرکت تضامنی چنین پنداشته میشود که طبق شرایط مندرج اساسنامه مربوط، توسط شرکا تقسیم گردیده است.

فصل پنجم
قواعد محاسبه

ترتيب دفاتر و اسناد

ماده بيست و هفتم:

- (1) تمام اشخاص تابع ماليه بشمول تشبثات كوچك، و مؤسسات غير دولتي مكلف به ترتيب و نگهداري اسناد عوايد حاصله و همچنان ثبت ساير معاملات كه مطابق اين قانون عوايد تلقى ميگردد، ميباشند.
- (2) تمام اشخاص بمنظور دريافت مجرايي مصارف مجاز مطابق احكام اين قانون، اسناد حمايوي آنرا نگهداري نمايند.
- (3) تمام اشخاص حكومي تابع ماليات بر عايدات مندرج ماده چهارم اين قانون مكلف اند تا صورت حساب مفاد و ضرر و بيلانس خویش را مطابق معيار های پذيرفته شده محاسبه تهيه نمايند.

طريقه بعدی محاسبه

ماده بيست و هشتم:

شرکتهای سهامی و محدود المسئولیت مکلف اند عوايد خود را توسط طريقه بعدی محاسبه كه عوايد و مصارف را وقتيکه قابل تاديه ميشود، در نظر ميگيرد، تثبيت نمايند.

طريقه نقدی محاسبه

ماده بيست و نهم:

- (1) شخص حقيقي مكلف است عوايد قابل ماليه خود را طبق طريقه محاسبه نقدي (حينيکه عوايد و مصارف تاديه ميگردد) تثبيت نمايد.
- (2) شخص مندرج فقره (1) اين ماده ميتواند به موافقه وزارت ماليه جهت تثبيت عوايد قابل ماليه خود طريقه بعدی را نیز تعيين نمايد.

مال التجاره

ماده سی ام:

- (1) مال التجاره كه در فعاليت های اقتصادي مورد استفاده قرار ميگيرد، در اخير هر سال مالي موجودی گردیده و قيمت گذاري آن به اساس قيمت تمام شد يا قيمت بازار (هر کدام كه کمتر باشد) صورت ميگيرد.
- (2) مجرايي قيمت مال التجاره فروخته شده در يك سال مالي با جمع نمودن ارزش موجودی شروع سال با خريداري ها در جريان سال متذکره و تفريق نمودن ارزش موجودی مال التجاره ختم سال، تعيين ميگردد.

تثبیت عواید قابل مالیه دو یا بیشتر مؤسسات تجارتي

ماده سی و یکم:

در صورتیکه دو یا بیشتر مؤسسات تجارتي یا فعالیت های اقتصادی، طور مستقیم یا غیر مستقیم ملکیت عین اشخاص حقیقی یا حکمی بوده یا تحت تصرف آنها قرار داشته باشد، وزارت مالیه میتواند، به مقصد معلوم نمودن عواید قابل مالیه و جلوگیری از فرار آن، مبلغ حاصله، کسرات، اعتبارات یا مجرائی ها را بین آنها تقسیم و توزیع نماید.

فصل ششم

احکام خاص در مورد شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت

مجرائی ضرر مالیاتی

ماده سی و دوم:

(1) هرگاه شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت در یک سال مالی ضرر مالیاتی مطابق احکام قانون مالیات بر عایدات داشته باشد، این ضرر از عواید قابل مالیه اش در سال بعدی قابل کسر میباشد.

(2) هرگاه ضرر مندرج فقره (1) این ماده در یک سال مالی بصورت مکمل جبران نگردد، مبلغ جبران نشده به سال های بعدی انتقال و از عواید قابل مالیه قابل کسر میباشد، اما هیچ ضرر مالیاتی نمیتواند برای بیش از پنج سال اعتبار از سال مالی که ضرر در آن مشخص گردیده، انتقال گردد.

(3) هرگاه نهادهای مندرج فقره (1) این ماده مقيم کشور به منظور حصول عواید از منبع خارج از افغانستان فعالیت نماید، نهاد مذکور عواید قابل مالیه یا ضرر مالیاتی خود را مطابق این قانون از فعالیت های تولید عواید از یک منبع در خارج، بطور جداگانه مشخص نماید. ضرر مالیاتی از فعالیت های تولید عواید از منبع خارج افغانستان از همان عواید منبع خارجی قابل کسر بوده و انتقال می یابد. ضرر متذکره از عواید قابل مالیه که منبع آن در داخل افغانستان می باشد، قابل کسر نیست.

(4) احکام این ماده بالای شرکت های تضامنی و اشخاص حقیقی دارای فعالیت تجاری به استثنای اشخاص تابع مالیه ثابت مندرج فصل یازدهم این قانون، نیز تطبیق میگردد.

توزیع دارائی های شرکت به سهامداران

ماده سی و سوم:

توزیع دارائی های شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت به سهامداران شرکت به حیث تنقیص در قیمت تمام شد سهم یا تنقیص در سرمایه اش پنداشته میشود. پرداخت مفاد سهم و سهم وقت انحلال از این امر مستثنی است.

توزیع دارائی ها حین انحلال شرکت

ماده سی و چهارم:

توزیع دارائی ها حین انحلال شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت به سهامداران مطابق مندرجات **فصل سوم** این قانون بحیث وجه فروش یا تبادله دارائی ها پنداشته میشود.

مبلغ یا سایر دارائی های توزیع شده به اساس نرخ روز، منفی قیمت تمام شد سهم سهامدار یا مبلغ سرمایه (که توزیع از آن صورت میگیرد) عبارت از عواید تابع مالیه سهامدار میباشد. توزیع دارائی های شرکت سهامی یا محدود المسئولیت در صورت انحلال جزئی یا کلی به حیث مفاد یا ضرر شرکت پنداشته نمیشود.

مشوق مالیاتی برای سرمایه گذاری های مشخص جدید

ماده سی و پنجم

(1) این ماده بالای شرکت های سهامی و محدود المسئولیت برای سرمایه گذاری های جدید ذیل در افغانستان از تاریخ انفاذ این قانون قابل تطبیق می باشد.

1. دارایی های جدید که بمنظور تولید بکار میرود؛

2. تعمیرات / ساختمانها

(2) روش برای محاسبه استهلاك دارایی های مندرج فقره (1) این ماده مطابق ماده هژدهم صورت میگیرد.

(3) ضرر ناشی از استهلاك دارایی های مندرج فقره (1) این ماده میتواند الی جبران کلی آن در سالهای بعد انتقال یابد. حکم این فقره از ماده سی و دوم مستثنی میباشد.

فصل هفتم

مالیات شرکت های بیمه

احکام قابل تطبیق در مورد شرکت های بیمه

ماده سی و ششم:

احکام مندرج مواد این فصل در مورد شرکت های بیمه قابل تطبیق میباشد، مشروط براینکه حاوی شرایط ذیل باشند:

1 - مطابق قوانین افغانستان بشکل شرکتهای سهامی تأسیس شده باشد.

2 - فعالیت شرکت، بیشتر از یک ساحه بیمه، مانند بیمه حادثات و زیان، بیمه حیات و سائر فعالیت های بیموی را در بر داشته باشد.

3 - برای هر ساحه بیمه و سائر فعالیتهای خود دارای محاسبه و ذخایر جداگانه باشد.

عواید تابع مالیات بر عایدات شرکت های بیمه

ماده سی و هفتم:

عواید ذیل شرکتهای بیمه، تابع مالیات بر عایدات میباشد:

1 - عواید تکت پولی، مفاد سهم، کرایه و سائر عوایدیکه از سرمایه گذاری و ملکیت بدست می آید.

2 - عواید حاصله از فعالیتهای غیر بیمه.

3 - عوايد حاصله از حق بيمه در مقابل حريق، سرقت، حادثات مريضى، خسارات يا زيانيكه بيمه آن براى يك مدت معين بوده و بيمه شونده نتواند بعد از انقضاي ميعاد آن ادعاى پولى نمايد.

4 - عوايد حاصله معاملات سرمايوى.

معافيت مالياتى بيمه شدگان

ماده سى و هشتم:

حق بيمه كه بموجب عقد قرار داد تحريرى اخذ شده و تاديه نهائى مفاد مشخص را به بيمه شدگان يا اشخاص منتفع شان ايجاب نمايد، از ماليات بر عايدات معاف اند.

تاديات غير قابل مجرائى شركت هاى بيمه

ماده سى و نهم:

مصارف و تاديات ذيل مربوط به بيمه كه حق بيمه آن مطابق حكم مندرج ماده سى و هشتم اين قانون از ماليات معاف است، قابل مجرائى نمى باشد:

1 - كميشن و سائر مصارف صدور بيمه.

2 - تاديه منافع بيمه به مشتركين يا اشخاص ذينفع آن.

تاديات قابل مجرائى شركت هاى بيمه

ماده چهلم:

(1) مصارف و تاديات ذيل شركتهائى بيمه از عوايد شان قابل مجرائى است:

1 - مبلغ تاديه شده ناشى از بيمه كه حق بيمه از درك آن تابع ماليات باشد.

2 - كميشن و سائر مصارف صدور كه حق بيمه از درك آن تابع ماليات باشد.

3 - مصارف بيمه مجدد كه حق بيمه از درك آن تابع ماليات باشد.

4 - افزودى به ذخاير غرض جبران خساره ادعاها، مشروط بر اينكه چنان ذخاير از صد فيصد حق بيمه حمل و نقل و پنجاه فيصد حق بيمه ساير امكانات خساره و حادثات ايكه در ظرف سال مالى بدست آمده است، تجاوز نكند.

5 - افزودى به ذخاير زيان عمليات بيمه ايكه حق بيمه مربوط بآن تابع مالىه باشد، مشروط بر اينكه اين ذخاير از دوچند مبلغ سرمايه گذارى شده در ساحه بيمه متذكره تجاوز نكند.

6 - ساير مصارف ضرورى كار و عمليات مندرج فصل دوم اين قانون و مصارف مندرج ماده سى و نهم اين قانون از اين امر مستثنى است.

(2) انتقال يا تاديه از ذخاير مندرج اجزائى (4 و 5) فقره (1) اين ماده عوايد تابع مالىه را در سال مالى مربوط تشكيل ميدهد. انتقال يا تاديه ناشى از ادعاها يا خسارات حقيقى يا تاديات مفاد سهم به پول، از اين امر مستثنى است.

فصل هشتم

مالیه بانک ها و شرکت های سهامی قرضه دهنده

افزودی به ذخیره

ماده چهل و یکم:

- (1) افزودی به ذخیره توسط بانک ها و شرکت های سهامی قرضه دهنده در مقابل خسارات از درک قروض تادیه نشده در اخیر سال مالی بشرطی قابل مجرای می باشد که از بیست و پنج فیصد اصل قرضه تجاوز نکند.
- (2) هر انتقال یا تادیات از ذخیره متذکره (به استثنای آنکه مطابق به هدف ذخیره باشد) عایدات تابع مالیه سال مالی را که در آن انتقال یا تادیات صورت گرفته، تشکیل میدهد.

تزئید یا تنقیص در ارزش

ماده چهل و دوم:

- تزئید یا تنقیص در ارزش اسناد سهم، قرضه و امثال آن منحصی دارائی طبق احکام این قانون تا زمانیکه از طریق فروش یا تبادل صورت واقعیت را بخود نگرفته باشد، مدار اعتبار نیست. زمانیکه مفاد یا ضرر از طریق فروش و تبادل دارائی متذکره تحقق یابد این مفاد یا ضرر عایدات و یا ضرر سالی را تشکیل میدهد که در آن فروش و یا تبادل صورت گرفته است.

فصل نهم

وضع نمودن مالیات از منابع عایدات

مالیه موضوعی معاش و دستمزد

ماده چهل و سوم:

- کلیه اشخاص حقیقی و حکمی، انتقاعی و غیر انتقاعی بشمول ادارات دولتی، تصدی ها و شاروالی ها مکلف اند از تمامی معاشات و دستمزد های کارمندان خویش مطابق حکم مندرج ماده چهارم این قانون مالیه وضع نمایند.

مالیه موضوعی بابت پرداخت در افغانستان

ماده چهل و چهارم:

- (1) مالیات موضوعی ذیل بالای پرداخت ها به اشخاص مقیم یا دارای مقر دایمی در افغانستان، تطبیق میگردد:
1. پانزده فیصد بابت پرداخت کرایه منازل و ساختمانهای که بمنظور فعالیت های اقتصادی یا دفاتر کاری در افغانستان به کرایه داده شده و کرایه ماهوار آن ده هزار افغانی یا بیشتر از آن باشد؛
 2. پانزده فیصد بابت پرداخت مفاد سهم، یا مبالغ معادل مفاد سهم مندرج ماده نهم این قانون؛
 3. بیست فیصد بابت پرداخت تکتانه، به استثنای پرداخت تکتانه به اشخاص دارای جواز بانکی؛
 4. بیست فیصد بابت پرداخت حق الامتیاز، جوایز، مکافات، قرعه و بخششی ها؛

5. دو فيصد از پرداخت به اشخاص دارنده جواز فعاليت و نمبر تشخيصيه و هفت فيصد به اشخاص فاقد جواز فعاليت و نمبر تشخيصيه از بابت تهيه اجناس، خدمات يا هردو، در صورتيكه مجموع پرداخت به يک شخص در طول سال مالي 500,000 افغانی يا بيشتري از آن باشد.

(2) ماليه موضوعی مندرج این ماده بالای مجموع مبلغ حين پرداخت وضع میگردد. ماليه بر ارزش افزوده يا ساير ماليات مشابه آن از این حکم مستثنی است.

(3) اشخاص تاديه کننده عوايد مکلف به وضع نمودن ماليه مندرج این ماده ميشند.

(4) ماليه موضوعی مندرج این ماده پيش پرداخت دريافت کننده عوايد محسوب شده و در مقابل ماليات بر عايدات سالانه آن قابل مجرايی ميشود.

ماليه موضوعی اشخاص غير مقيم

ماده چهل و پنجم:

(1) ماليات موضوعی ذيل بالای پرداخت به اشخاص غير مقيم که پرداخت با مقر دایمی در افغانستان مرتبط نباشد، تطبيق میگردد.

1. بيست فيصد از پرداخت تکتانه، مفاد سهم، حق الامتياز، فيس خدمات تخنيکی، جوايز، مکافات، قرعه، بخششی ها و مفاد از درک فروش دارایی، .

2. پانزده فيصد از پرداخت کرایه يا اجاره دارایی های منقول و غير منقول

3. هفت فيصد از پرداخت حق بیمه.

(2) ماليه موضوعی مندرج این ماده از سر جمع مبالغ حين پرداخت وضع و ماليه نهایی محسوب میگردد.

(3) اشخاص تاديه کننده عوايد مکلف به وضع نمودن ماليه مندرج این ماده ميشند.

ميعاد پرداخت ماليات و انتقال

ماده چهل و ششم:

شخص مکلف به وضع ماليه موضوعی مندرج مواد چهل و سوم، چهل و چهارم و چهل و پنجم این قانون ماليه وضع شده را الی پانزدهم ماه بعدی به حساب معينه بانکی وزارت ماليه تحويل و فورم راپور ماليه وضع شده را معه سند تحویلی بانکی در همان دوره به شعبات مالياتی مربوطه ارائه نماید.

تهيه صورت حساب ها

ماده چهل و هفتم:

(1) کارفرما مکلف است، صورت حساب ماليه معاش و دستمزد کارکنان مربوط را طور انفرادی تهيه والی اخيرماه اول سال مالی

بعدی به وزارت ماليه يا شعبات مالياتی و کارکنان مربوطه خويش ارائه نماید.

(2) كارفرمای مندرج فقره (1) این ماده مكلف است راپور توحیدی سالانه مالیات وضع شده از معاشات و دستمزدها را الی اخیر ماه اول سال مالی بعدی به وزارت مالیه ارایه نماید.

ارایه اظهارنامه كارمندان

ماده چهل و هشتم:

(1) كارمندان كه از درك معاش یا دستمزد عوايد بدست می آورند در صورتی مكلف به ارایه اظهارنامه مالیات بر عايدات نمی گردند كه شرایط ذیل را تكمیل نمایند:

1. كارمند در سال مالی هیچ گونه عوايد قابل مالیه به استثنای معاش یا دستمزد كه از آن مالیات مطابق نورم های مالیات بر عايدات مندرج فقره (3) ماده چهارم این قانون وضع شده، نداشته باشد؛
 2. كارمند در جریان سال مالی توسط بیش از یک كارفرما استخدام نشده باشد؛
- (2) كارمندان كه از مدرك معاش یا دستمزد تابع وضع مالیات از بیشتر از یک كارفرما دارای عوايد بوده یا هم غیر از معاش یا دستمزد ها از سایر منابع عوايد داشته باشند، مكلف اند اظهار نامه مالیات بر عايدات خود را در خلال سه ماه بعد از ختم سال مالی ارایه نمایند. مبالغ مالیه وضع شده به مؤدی قابل مجزائی می باشد.

فصل دهم

مالیه معاملات انتفاعی

مالیه معاملات انتفاعی عرضه اجناس و خدمات

ماده چهل و نهم:

اشخاص ذیل مكلف به پرداخت مالیه معاملات انتفاعی میباشند:

1. اشخاص حكمی دارای فعالیت های تجاری؛
2. اشخاص حقیقی دارای فعالیت های تجاری كه عوايد (فروشات) آنها در هر ربع هفت صدو پنجاه هزار افغانی و یا بیشتر از آن باشد. فعالیت های مندرج اجزای 1 و 2 ماده پنجاهم این قانون بدون در نظر داشت حد تعیین شده در این حكم، تابع مالیه معاملات انتفاعی میباشند.

نورم های مالیه معاملات انتفاعی

ماده پنجاهم:

مالیه معاملات انتفاعی به نورم های ذیل محاسبه میگردد:

1. ده فیصد از عوايد خدمات مخابراتی، كلوپ ها و سالون های برگزاری محافل، هتل ها و رستوران های دارای خدمات برتر؛
2. پنج فیصد از عوايد هتل ها و مهمان خانه ها، رستوران ها و خدمات خطوط هوایی؛

3. چهار فیصد از عواید سایر فعالیت های تجاری.

معافیت از مالیه معاملات انتفاعی

ماده پنجاه و یکم:

عواید ذیل از مالیه معاملات انتفاعی معاف میباشد:

- 1- عاید حاصله از درک تحصیل نکتانه.
- 2- فیس حاصله از تبادل اسعار، فعالیت حساب بانکی و پس انداز معامله روی امانات یا اخذ آن از حساب بانکی، صدور چک یا تضمین نامه ها، بانکداری از طریق اینترنت، تهیه رهن یا قرضه، ارایه کریدت تدریجی و سایر خدمات مالی مشابه.
- 3- حق بیمه از درک تهیه هر گونه بیمه یا بیمه مجدد
- 4- دریافت مفاد سهم توسط سهامدار از شرکت سهامی یا محدود المسئولیت یا دریافت مفاد از سهم در شرکت تضامنی.
- 5- عاید حاصله از درک صادرات اجناس.
- 6- عاید حاصله از درک عرضه خدمات در بیرون از افغانستان.
- 7- عاید حاصله از کرایه یا اجاره جایداد رهائشی به شخص حقیقی در صورتیکه مستاجر از جایداد منجیث اقامتگاه رهائشی استفاده نماید.
- 8- عاید حاصله از بابت معاش و دستمزد
- 9- عاید حاصله از فروش جایداد خارج از روند معمولی فعالیت تجاری.

مالیه معاملات انتفاعی بر واردات

ماده پنجاه و دوم:

- (1) اشخاصی که به توريد اموال می پردازند، تابع چهار فیصد مالیه معاملات انتفاعی از قیمت تمام شد اموال وارده بشمول محصول گمرکی بوده، این مالیه در گمرک اخذ میشود که اموال در آن محصول می گردد.
- (2) مالیه معاملات انتفاعی تادیه شده مندرج فقره (1) این ماده پیش پرداخت محسوب شده در مقابل مالیه معاملات انتفاعی اظهار شده در اظهارنامه ربعوار قابل مجرای می باشد. هرگاه مبلغ تادیه شده بیشتر از مالیه معاملات انتفاعی قابل تادیه همان ربع باشد، مبلغ اضافی در دوره های بعدی قابل مجرای می باشد.

فصل يازدهم

ماليات ثابت

فعاليت هاي تجاري تابع ماليات ثابت

ماده پنجاه و سوم:

اشخاص داراي فعاليت هاي تجاري تصريح شده در مواد پنجاه و پنجم، فقره (1 و 2) پنجاه و ششم و هفتم اين قانون به عوض ماليات بر عايدات و ماليه معاملات انتفاعي، تابع ماليات ثابت ميباشند.

ماليه ثابت اموال وارداتي

ماده پنجاه و چهارم:

(1) اشخاصيکه به توريد اموال مي پردازند، تابع دو فيصد ماليه ثابت قيمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول گمرکي آن ميباشند. ماليه تاديه شده منحيث پيش پرداخت ماليات بر عايدات سالانه وي پنداشته شده و چنين تادايات درمقابل مکلفيت تادياتي شخص مذکور مطابق احکام اين قانون مد نظر گرفته ميشود.

(2) ماليات مندرج اين ماده در گمرکي اخذ ميشود که اموال در آن محصول مي گردد.

ماليه ثابت عراده جات

ماده پنجاه و پنجم:

اشخاصيکه به مقصد فعاليت تجارتي توسط وسايط نقليه دست داشته، به انتقال اموال و حمل و نقل اشخاص مي پردازند، قبل از تجديد جواز سير، ذبلاً مکلف به پرداخت ماليه سالانه پنداشته ميشوند:

1 - عراده باربري به اساس تن:

- از يك الي دو تن، مبلغ دوهزارو ششصد افغاني.
- بيشتر از دو الي سه تن، مبلغ سه هزارو چهارصد افغاني.
- بيشتر از سه الي چهارتن، مبلغ چهار هزارو دو صد افغاني.
- بيشتر از چهار الي پنج تن، مبلغ پنج هزار افغاني.
- بيشتر از پنج الي شش تن، مبلغ شش هزار افغاني.
- بيشتر از شش الي هشت تن، مبلغ هفت هزارو پنجصد افغاني.
- بيشتر از هشت الي ده تن، مبلغ نه هزار افغاني.
- بيشتر از ده الي دوازده تن، مبلغ ده هزارو پنجصد افغاني.
- بيشتر از دوازده الي چهارده تن، مبلغ دوازده هزار افغاني.
- بيشتر از چهارده الي شانزده تن، مبلغ سيزده هزارو پنجصد افغاني.
- بيشتر از شانزده الي هجده تن، مبلغ پانزده هزار افغاني.

- بيشتر از هجده الی بيست تن، مبلغ شانزده هزارو پنجصد افغانی.
- بيشتر از بيست الی بيست و پنج تن، مبلغ هجده هزارو پنجصد افغانی.
- بيشتر از بيست و پنج تن، فی تن مبلغ پنجصد افغانی بر علاوه مبلغ هجده هزارو پنجصد افغانی.
- از مجموع وزن مجاز بالای اکسل تريپلر بالاتر از پنجصد كيلو گرام فی تن اضافه، مبلغ دو صد افغانی.

2 - عراده جات مسافر بری:

- تکسی به ظرفیت سه الی پنج نفر مبلغ دو هزار افغانی.
- تکسی بالاتر از ظرفیت پنج نفر بر علاوه دو هزار افغانی، فی چوکی، مبلغ دو صد افغانی.
- مکروبس چهارده چوکی، مبلغ دو هزارو ششصد افغانی.
- انواع بس از پانزده الی بيست ويک چوکی، مبلغ چهار هزار افغانی.
- از بيست و دو الی بيست ونه چوکی، مبلغ شش هزار افغانی.
- از سی الی سی ونه چوکی، مبلغ هفت هزار افغانی.
- از چهل الی چهل ونه چوکی، مبلغ هفت هزارو پنجصد افغانی.
- از پنجاه الی شصت چوکی، مبلغ هشت هزار افغانی.
- بيشتر از شصت چوکی، بر علاوه مبلغ هشت هزار افغانی، فی چوکی مبلغ دو صد افغانی.

3 - عراده جات به حساب سلندر:

- عراده جات چهار سلندر، فی عراده مبلغ يک هزارو پنجصد افغانی.
- عراده جات شش سلندر، فی عراده مبلغ دو هزار افغانی.
- عراده جات هشت سلندر فی عراده مبلغ سه هزار افغانی.
- عراده جات بيشتر از هشت سلندر بر علاوه سه هزار افغانی، فی سلندر مبلغ پنجصد افغانی.

4 - ريكشا:

- ريكشای موتر سايکل، فی عراده پنجصد افغانی.
- ريكشا، فی عراده مبلغ يک هزار افغانی.

ماليه ثابت عوايد نمايشات

ماده پنجاه و ششم:

(1) ماليه ثابت مندرج اين ماده صرف بالای اشخاص حقيقي مقیم افغانستان و اشخاص حقيقي و حکمی غير مقیم افغانستان تطبيق می گردد.

(2) اشخاص مندرج فقره (1) اين ماده که خدمات تفريحي مانند تياتر، نمايش فلم، راديو يا تلويزيون موسيقي يا مسابقات ورزشی را در داخل افغانستان عرضه می نمايند، تابع ماليه ثابت معادل ده فيصد عوايد حاصله از فروش تکت می باشند. ماليه ثابت متذکره، بعوض ماليات بر عايدات و ماليه معاملات انتفاعی وضع می گردد. اين ماليه طبق حکم مندرج فقره (6) ماده هفتادم اين قانون تاديه می گردد، ماليه در دفتر مالياتی محلی که خدمات در آنجا عرضه می گردد، قابل تاديه می باشد.

(3) ساير اشخاصيکه خدمات تفريحي را اجراء يا فراهم مي نمايند، مطابق احكام اين قانون تابع ماليات بر عايدات و ماليه معاملات انتفاعي قرار مي گيرند.

ماليه ثابت تشبثات كوچك (اصناف)

ماده پنجاه و هفتم:

- (1) اشخاص حقيقي كه مصروف كار و فعاليت هاي اقتصادي كوچك بوده و تابع وضع ماليه موضوعي و معافيت مندرج اين قانون نباشند، مكلف به پرداخت ماليه ثابت مندرج ماده پنجاه و هشتم اين قانون مي باشند.
- (2) اشخاص حقيقي مندرج فقره (1) اين ماده، مكلف به خانه پري اظهارنامه مالياتي و ارائه آن مطابق احكام اين قانون مي باشند.

تعيين ماليات ثابت بالاي فعاليت هاي اقتصادي كوچك (اصناف)

ماده پنجاه و هشتم:

- (1) هرگاه اشخاص حقيقي مندرج فقره (1) ماده پنجاه و هشتم اين قانون، در خلال سال مالي از درك منابع تابع ماليه الي مبلغ يكصدوپنجاه هزار افغاني عايد(فروش) داشته باشند، از ماليه معاف مي باشند.
- (2) هرگاه اشخاص مندرج فقره (1) اين ماده در خلال سال مالي بيشتر از مبلغ يكصدوپنجاه هزار الي ده ميليون افغاني عايد (فروش) داشته باشند، مكلف به پرداخت (1.5) فيصد ماليه ثابت از سر جمع فروشات سالانه بعد از وضع معافيت مندرج فقره (1) اين ماده مي باشند.
- (3) هرگاه اشخاص حقيقي مندرج فقره (1) اين ماده در خلال سال مالي بيشتر از مبلغ ده ميليون افغاني عايد (فروش) داشته باشند، مكلف به پرداخت (1.5) فيصد ماليه ثابت از سر جمع فروشات بعد از وضع معافيت مندرج فقره (1) اين ماده مي باشند يا مي توانند مطابق حكم فقره (3) ماده چهارم و حكم ماده چهل و نهم اين قانون ماليه بپردازد.
- (4) هرگاه اشخاص حقيقي مندرج فقره (1) ماده پنجاه و هشتم اين قانون ماليه سال هاي مالي 1393 و 1394 خويش را پرداخت ننموده باشند، ماليه آنها مطابق احكام اين ماده تشبث و مكلف به تاديه آن مي باشند.
- (5) هرگاه اشخاص حقيقي مندرج فقره (1) ماده پنجاه و هشتم اين قانون، ماليه ذمت سال 1393 و سال هاي ماقبل آنرا الي (90) روز بعد از نشر اين تعديل تاديه نمايند، از پرداخت ماليه اضافي (جريمه) معاف مي باشند.
- (6) هرگاه اشخاص حقيقي مندرج اين ماده ماليه ذمت سال هاي 1393 و 1394 خويش را مطابق حكم فقره (4) ماده هفتاد و پنجم قانون ماليات بر عايدات سال 1387 تاديه نموده باشند، مطابق احكام فقره هاي (2) و (3) اين ماده مجدداً سنجش و مبالغ اضافي تاديه شده در ماليات ذمت بعدي آنها مجرا مي گردد.

فصل دوازدهم

مقررات مالیاتی جهت وضع مالیات بالای

دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرارداد هاییدروکارین

اولویت فصل دوازدهم

ماده پنجاه و نهم:

مواد مندرج فصول این قانون به استثنای احکام مندرج این فصل بالای دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدنیا قرار داد هاییدروکارین به همان شیوه ای که بالای یک مؤدی معمولی تطبیق میگردد، قابل تطبیق بوده، مگر اینکه ذریعه یک ماده این فصل تغییر نماید.

مکلفیت های مالیاتی دارندگان جواز معدن

ماده شصتم:

(۱) دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین به اعتبار هر یک از اجازه نامه ها، جوازاها و قرارداد ها منحیث مؤدی جداگانه پنداشته می شود.

(۲) هرگاه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین، جناح ذیدخل در اضافه تر از یک قرارداد هاییدروکارین، یا دارنده بیشتر از یک جواز معدن، اجازه نامه معدن و یا مرکب از هر دو مورد فوق باشد، اینطور محسوب میگردد که وی منحیث شخص مجزا به اساس فعالیت های تجارتي مربوط هر قرارداد هاییدروکارین، جواز معدن و اجازه نامه معدن پنداشته می شود.

(۳) هرگاه قرارداد هاییدروکارین، جوازمعدن و اجازه نامه معدن تمدید گردد، تمدید آنها منحیث بخشی از قرارداد اصلی هاییدروکارین، جواز و اجازه نامه معدن بمنظور تطبیق این ماده، محسوب میگردد.

(۴) هرگاه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن ویا قرار داد هاییدروکارین، جناح ذیدخل در اضافه تر از یک قرارداد هاییدروکارین و یا دارنده بیشتر از یک جواز یا اجازه نامه معدن و یا مرکب از هر دو مورد فوق بوده و متقبل مصارف اضافه تر از یک قرارداد هاییدروکارین، جواز ویا اجازه نامه معدن گردد، مصارف متذکره میان بخش های مختلف فعالیت نظر به نحوه استفاده و بکاربرد مصارف، تقسیم می گردد.

مالیه معاملات انتفاعی

ماده شصت و یکم:

مالیه معاملات انتفاعی مندرج **فصل دهم** این قانون بالای عواید ذیل قابل تطبیق نمی باشد:

1 - عواید دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین از مدرک فروش مواد معدنی (طوریکه در قانون مواد معدنی سال 1393 تعریف گردیده است) که تابع جواز و یا اجازه نامه معدن می باشد.

2 - عواید دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین از مدرک فروش هاییدروکارین که تابع قرارداد هاییدروکارین می باشد.

3 - عواید دارنده جواز ، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین از مدرک فروش یا انتقال جواز معدن، اجازه نامه معدن و یا قرارداد هاییدروکارین.

مجرائی استهلاك

ماده شصت و دوم :

(1) دارنده جواز ، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین که بمنظور حصول دارائی خویش به استثنای تعمیر یا حق اشغال تعمیر، متقبل مصارف میگردد، میتواند مصارف حصول دارائی را به اساس فیصدی مساویانه، هر سال کمتر از موارد ذیل مجرائی حاصل نماید:

1 - عمر مؤثر دارائی (دوره استهلاك) .

2 - پنج سال مجرائی کسرات از سالیکه دارائی در آن حصول گردیده است، آغاز میگردد.

(2) دارنده جواز ، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین که بمنظور اعمار یا حصول دارائی یعنی تعمیر یا حصول حقوق جهت اشغال تعمیر ، متقبل مصارف بدون کرایه سالانه میگردد، مصارف متذکره را به اساس فیصدی مساویانه در جریان (۱۵) سال وضع نموده می تواند. وضع کسرات در سال که مصارف را در آن متقبل گردیده است، آغاز می گردد.

(3) دارنده جواز ، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین که متقبل مصارف حصول اجازه نامه معدن، جواز معدن و یا قرارداد هاییدروکارین میگردد، مصارف حصول اجازه نامه، جواز معدن یا قرارداد هاییدروکارین را به اساس فیصدی مساویانه هر سال از سال های که اجازه نامه، جواز و قرارداد فوق الذکر مورد تطبیق قرار می گیرند، وضع نموده می تواند.

(4) ارزش استهلاك دارائی دارنده جواز ، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین در هر زمان منحصراً مصارف اصلی منفی هر نوع کسرات مصارف اعمار یا حصول دارائی متذکره که مطابق این ماده مجاز دانسته شده، محسوب میگردد. هر گاه شخصیت فوق الذکر، دارائی خویش را بیشتر از ارزش بعد از وضع استهلاك آن بفروش رساند، قیمت اضافی عواید قابل مالیه شخص مذکور محسوب میگردد. هر گاه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین دارائی خویش را کمتر از ارزش بعد از وضع استهلاك آن بفروش رساند، میتواند مجرائی تفاوت ارزش بعد از استهلاك و قیمت فروش را در سالیکه دارائی در آن بفروش رسیده ، بدست بیاورد.

مصارف اعمار سرکها

ماده شصت و سوم:

(1) این ماده بالای دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین که متقبل مصارف اعمار سرک جهت پیش برد فعالیت های که مطابق جواز معدن، اجازه نامه معدن یا قرارداد هاییدروکارین میگردد، تطبیق میشود.

(2) شخصیت که در فقره (1) این ماده تشریح گردید، میتواند مصارف اعمار سرک را در ظرف پانزده سال، با کسر مصارف سالی که در آن سرک تکمیل میگردد، چنان که در فقره (1) این ماده توضیح گردیده است، وضع نماید.

(3) این فقره بالای دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هاییدروکارین که مطابق جواز معدن، اجازه نامه معدن و یا قرارداد هاییدروکارین، حقوق خویش را به شخص دیگر بفروش میرساند و در نتیجه شخص فروشنده سرک را که در فقره (1) این ماده تشریح

گردیده است، استفاده ننموده و حاصل کننده جواز معدن، اجازه نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن ها از سرک متذکره استفاده می نماید، تطبیق میگردد. در چنین حالت، شخص حاصل کننده جواز معدن، اجازه نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن مستحق وضع مصارف کسر نشده اعمار سرک برای سالهای باقیمانده کسرات می باشد. سال های متباقی کسر مصارف سرک با منفی نمودن تعداد سالهای که مالک و یا مالکین قبلی آن به اساس این ماده مستحق استهلاک بودند، از پانزده سال محاسبه می گردد.

(4) در صورتیکه فقره (3) این ماده بالای اعمار سرک ایکه در فقره (1) این ماده توضیح گردیده است، تطبیق گردد، شخصیکه حقوق خویش را مطابق جواز معدن، اجازه نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن بفروش میرساند، مطابق حکم این ماده مستحق معجرائی مصارف اعمار سرک در سالی که حقوق مذکور در آن فروخته شده و یا در سال های بعدی آن نمی باشد.

مصارف حفر چاه

ماده شصت و چهارم:

یک حلقه چاه که ذریعه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن بمنظور تفحص، انکشاف یا تولید هایدروکاربن ها حفر گردیده باشد، منحصی دارائی شخص مذکور پنداشته شده و تمام مخارج که در جریان حفر چاه ذریعه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن، شخص دیگری که به اساس قرارداد به شخص مذکور چاه را حفر نماید، یا مسدود نمودن چاه به مصرف رسیده باشد، منحصی مصارف حفر چاه پنداشته میشود. هرگاه مصارف حفر یا قرارداد حفر چاه بیشتر از یک سال مالی ادامه یابد، طوری محسوب میگردد که شخص مذکور دارائی جداگانه را در هر سال بدست آورده و ارزش هر دارائی مساوی به مصارف حفر چاه و یا قرارداد حفر چاه در همان سال می باشد.

مصارف قبل از تولید

ماده شصت و پنجم:

(1) دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن صرف مصارف قبل از تولید را به اساس فیصدی مساویانه در هر سال طی میعاد وصول مصارف قبل از تولید معجرائی گرفته میتواند.

(2) میعاد وصول دوباره مصارف قبل از تولید در فعالیت های استخراج معادن و یا هایدروکاربن که ذریعه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن در یکی از ساحات تعریف شده در جواز معدن و یا اجازه نامه معدن عبارت از مدت کمتر از میعاد ذیل باشد:

- پانزده سال.

- تعداد سالهای باقیمانده در جواز یا اجازه نامه.

(3) میعاد وصول دوباره مصارف قبل از تولید برای یک شرکت هایدروکاربن عبارت از تعداد سالهای باقیمانده در قرارداد می باشد.

(4) دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن طوری پنداشته میشود که فعالیت های تولیدات تجارتي مواد معدنی و هایدروکاربن ها را در یکی از موارد ذیل (هر کدام آنها که نخست واقع گردد) آغاز نموده است:

1 - در سالیکه وزارت مالیه و وزارت معادن یادداشت کتبی را مبنی بر اینکه وزارت خانه های متذکره به استناد یادداشت تحریری شخصیت فوق الذکر پذیرفته اند که شخص متذکره فعالیت های تجارتي را آغاز نموده است، صادر نمایند.

2- در صورتیکه یک دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن دارای صلاحیت نامه معادن باشد، از سالیکه فروشات مواد معدنی شش فیصد بیش از مصارف قبل از تولید را تشکیل دهد که وی در سال قبلی متقبل شده است.

3- در صورتیکه شخص متذکره دارای قرارداد هایدروکاربن باشد، سالی که در آن عواید بابت فروش هایدروکاربن ها از فیصدی حد معین مصارف قبل از تولید متقبل شده توسط شخص مذکور قبل از آن فیصدی حد معین مصارف از طریق تقسیم تعداد سال های هایدروکاربن بر عدد 100 بدست میآید.

(5) هرگاه یک دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن حقوق مندرج جواز، اجازه نامه یا قرارداد هایدروکاربن خویش را به شخص دیگری که وی نیز دارنده جواز معدن، اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن معادن است، بفروش برساند، شخص اولی می تواند مصارف متقبله قبل از تولید خویش را در مصارف حصول حقوق جواز، اجازه نامه یا قرارداد که مطابق فقره (1) قبلاً وضع نشده باشد، علاوه نماید.

وضع کسرات جهت اعانه به یک صندوق پولی برای تمویل بودجه مکلفیت های محیطی و اجتماعی

ماده شصت و ششم:

دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن هر مقدار پول را که باید در رابطه به مکلفیت محیطی و اجتماعی تادیه گردد، مطابق احکام قانون معادن و یا به اساس یک پلان لازمی هر قانون که بالای هایدروکاربن ها قابل تطبیق باشد، وضع نماید:

1. پول متذکره به نهاد تادیه میگردد که هیچگونه رابطه مستقیم یا غیر مستقیم با شخصیکه مطابق این ماده دعوای وضع همچو مصارف نماید، نداشته باشد.

2. شخص فوق الذکر، از طریق یک نهاد مالی منظور شده توسط دافغانستان بانک، تضمین نامه بانکی تادیات را به وزارت مالیه در مورد مقدار قابل کسر و اینکه مقداری به امانت گذاشته شده را طوریکه در مقررات مواد معدنی دولت و یا به اساس پلان که مطابق هر قانون هایدروکاربن قابل تهیه شده، به مصرف نمی رساند، فراهم می نماید.

انتقال ضرر مالیاتی و دوام موافقتنامه ها

ماده شصت و هفتم:

(1) ماده سی و دوم این قانون که یک محدودیت را بالای تشخیص ضرر مالیاتی تطبیق می نماید، بالای یک دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن تطبیق نمی گردد. هرگاه یک دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن متقبل ضرر مالیاتی طوریکه در ماده سی و دوم این قانون تعریف شده است، گردد، در آنصورت ضرر مذکور منحیث مصارف قابل مجرائی برای سال بعد محسوب می گردد.

(2) مطابق فقره (3) این ماده، وزارت مالیه احکام مندرج این قانون را در زمانیکه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن جانب ذیدخل دریکی از جواز معدن، اجازه نامه معادن یا قرارداد هایدروکاربن برای میعاد ذیل باشد، تطبیق می نماید:

1- برای مدت ده سال، در صورتیکه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن دارنده اجازه نامه معادن باشد، ده سال متذکره از همان سالی که شخص مذکور اجازه نامه را اخذ می نماید، آغاز میگردد.

2- برای مدت پانزده سال، در صورتیکه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن دارنده جواز معدن بوده، پانزده سال متذکره از همان سالی آغاز میگردد که شخص مذکور جواز نامه را اخذ مینماید.

3- میعاد قرارداد هایدروکاربن، در صورتیکه دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن یک جانب ذیدخل در قرار داد هایدروکاربن باشد.

(3) وزارت مالیه احکام مندرج این قانون را صرف بالای دارنده جواز، قرارداد و اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن که در فقره (2) این ماده توضیح گردیده است، در صورتی تطبیق می نماید که دارنده جواز معدن، اجازه نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن کتباً موافقت نموده باشد که عواید قابل مالیه وی تحت نورم (۳۰) فیصد مالیات بر عایدات برای سالهای که احکام این قانون ذریعه وزارت مالیه به اساس این ماده بدون در نظر داشت تغییرات بعدی تطبیق میگردد، قرار می گیرد.

فصل سیزدهم

تعیین مالیه، ارائه اظهار نامه ها، و تادیبه مالیات

نمبر تشخیصیه مالیه دهنده

ماده شصت و هشتم :

(1) اشخاص انفرادی، شرکتها و مؤسساتیکه مطابق احکام این قانون یا قانون گمرکات مکلف به پرداخت مالیات یا محصول گمرکی میباشد و سازمانهای اجتماعی غیر انتفاعی و مؤسسات خیریه که مالیات از معاشات یا دستمزد کارکنان مربوط خویش را وضع مینمایند و یا اشخاصیکه در بانکها یا سایر مؤسسات مالی حساب داشته و یا افتتاح نمایند، مکلف اند تا نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را اخذ نمایند. کارکنانیکه عواید شان مطابق احکام این قانون تابع وضع نمودن مالیات قرار میگیرند، نیز تابع این حکم میباشد.

(2) توزیع و تجدید جواز فعالیت اشخاص حقیقی یا حکمی فاقد نمبر تشخیصیه مالیه دهنده که مکلف به اخذ آن بوده، از طرف وزارت ها، ادارات و سایر مؤسسات دولتی جواز ندارد.

اظهارنامه های مالیاتی

ماده شصت و نهم:

(1) اشخاص ذیل مکلف به ارائه اظهارنامه مالیات بر عایدات سالانه می باشند:

1. اشخاص حکمی و حقیقی تابع مالیات بر عایدات، به استثنای اشخاص مندرج فقره (1) ماده چهل و هشتم این قانون
2. اشخاص دارنده جواز فعالیت و مؤسسات غیر حکومتی (انجوها) به استثنای نهاد اجتماعی غیر انتفاعی.

(2) اشخاص ذیل مکلف به ارائه اظهارنامه ربعوار میباشد:

1. اشخاص حکمی و حقیقی تابع مالیه معاملات انتفاعی؛
2. اشخاص حقیقی تابع مالیه ثابت مندرج ماده پنجاه و هفتم این قانون.

(3) هرگاه یک شخص اظهارنامه مالیاتی خویش را بر اساس ارزیابی خودی تکمیل و ارائه نموده باشد، مالیه سنجش شده منحیث ذمت مالیاتی و اظهارنامه مذکور منحیث یادداشت تعیین مالیه وی پنداشته میشود.

ارايه اظهارنامه های مالياتی و تاديه ماليات

ماده هفتادم:

- (1) اشخاصی که تابع ارائه اظهارنامه سالانه ماليات بر عايدات می باشند، مکلف اند آن را الی اخير ماه سوم سال مالی بعدی به شعبات مربوطه ارائه نمایند.
- (2) اشخاصی که تابع ارائه اظهارنامه ربعوار می باشند، مکلف اند آنرا در خلال پانزده روز بعد از ختم ربع به شعبات مربوطه ارائه نمایند.
- (3) اشخاص مقیم یا غير مقیم که کشور را قبل از تاريخ معينه تاديه ماليات ذمت شان ترک مينمایند، مکلف اند الی دو هفته قبل از عزيمت اظهارنامه مربوطه را تسليم و ماليات ذمت خویش را تاديه نمایند؛
- (4) اشخاصی که فعالیت اقتصادی خویش را در جریان سال مالی بطور دایمی متوقف میسازند، میتوانند اظهارنامه مالیاتی تاریخی را در خلال سال مالی به شعبات مربوطه ارائه نمایند.
- (5) اشخاص تابع ارائه اظهارنامه مالیاتی مطابق احکام این ماده، مکلف اند مالیه را که به اساس اظهار خودی تعیین نموده در وقت معينه ارائه اظهارنامه مربوطه تاديه نمایند.
- (6) اشخاص تابع مالیه ثابت مندرج ماده پنجاه و ششم این قانون، مکلف اند صورتحساب فعالیت خویش را در فورم معينه ترتیب و مالیه ذمت خویش را در خلال پانزده روز بعد از ختم ماه تاديه نمایند در صورتیکه فعالیت نمایشگاه های متذکره دوامدار نباشد، مالیه آنها بعد از ختم نمایش در خلال روز کاری بعدی تاديه گردد.
- (7) اشخاص تابع مالیه مندرج ماده بیست و دوم این قانون، مکلف اند مالیه ذمت خویش را حین انتقال مالکیت دارایی تاديه نمایند.
- (8) مالیه سنجش شده در یادداشت تعیین مالیه که توسط اداره مالیاتی صادر میگردد بتاريخ معينه مندرج یادداشت مذکور قابل تاديه می باشد.

درخواست تعديل

ماده هفتاد و یکم:

- (1) مالیه دهنده ایکه اظهارنامه مالیاتی را مطابق احکام این قانون ارایه نموده و بعداً متیقن گردد که اظهارنامه مالیاتی ارایه شده نادرست می باشد، در اینصورت میتواند تعديل آن را در فورم تعیین شده در خلال پنج سال پس از تاريخ معينه ارایه اظهارنامه، درخواست نماید.
- (2) ارائه درخواست تعديل از طرف مالیه دهنده مانع وضع ماليات اضافی نمی گردد.
- (3) اداره مالیاتی مکلف است به درخواست تعديل مندرج فقره (1) این ماده در خلال شصت روز از تاريخ ارائه آن رسیدگی نموده و به مالیه دهنده از تصمیم اتخاذ شده کتباً اطلاع دهد.
- (4) تصمیم اتخاذ شده مطابق حکم فقره (3) این ماده تصمیم مالیاتی پنداشته میشود. در صورتیکه مالیه دهنده به تصمیم مالیاتی قناعت نداشته یا هیچ تصمیمی را مطابق فقره (3) این ماده بعد از سپری شدن شصت روز دریافت ننماید، میتواند مطابق احکام قانون اداره امور ماليات اعتراض نماید.

فصل چهاردم

احكام متفرقه

حكم خاص تحصيل مكلفيت مالياتي

ماده هفتاد و دوم:

ماليه دهنده اي كه ماليات بر عايدات قابل تاديه را مطابق احكام اين قانون تاديه ننمايد، وزارت ماليه ميتواند ماليه مذكور را از شخصي كه دارائي هاي شخص تابع ماليه را به نرخ كمتر از قيمت بازار حين اجرائي معامله سه سال قبل از تاريخ پرداخت ماليات تاديه ناشده بدست آورد باشد، تحصيل نمايد.

وضع طرز العمل

ماده هفتاد و سوم:

وزارت ماليه به منظور تطبيق بهتر احكام اين قانون تعليماتنامه ماليات بر عايدات، طرز العمل و لوايح جداگانه (عمومي و انفرادي) را وضع مي نمايد.

عدم صدور جواز فعاليت

ماده هفتاد و چهارم:

(1) ادارات صادر كننده جواز فعاليت مكلف اند تا لست و مشخصات اشخاص حقيقي و حكمي را كه جواز فعاليت آنها مدار اعتبار است، بشكل الكترونيكي در اختيار ادارات دولتي قرار دهند.
(2) تمام ادارات و مؤسسات دولتي مكلف اند در هنگام عقد قرارداد از صحت و تاريخ اعتبار جواز فعاليت اطمينان حاصل نموده سپس عقد قرارداد نمايد.

ارجحيت قانون

ماده هفتاد و پنجم:

(1) در صورت مغايرت قراردادها، موافقتنامه ها و ساير اسناد تقينتي با احكام اين قانون، قانون ماليات بر عايدات مرجح دانسته ميشود.
(2) قراردادها و موافقتنامه هاي بين المللي منعقد شده بين دولت جمهوري اسلامي افغانستان و دول خارجي يا مؤسسات بين المللي از حكم مندرج فقره (1) اين ماده مستثني است.

تعديل معافيت ها

ماده هفتاد و ششم:

(1) تعديل معافيت ها و نورمهاي مالياتي مندرج احكام اين قانون به پيشنهاد وزارت ماليه و منظوري مقامات ذصلاح صورت ميگيرد.
(2) وضع ماليه و معافيت هاي مالياتي بدون موافقه وزارت ماليه جواز ندارد.

حکم انتقالی

ماده هفتاد و هفتم:

دارایی های قابل استهلاك كه بخشى استهلاك آن مطابق احكام قانون نافذه قبلى سنجش شده، محاسبه استهلاك باقیمانده دارایی های متذکره مطابق احكام آن قانون ادامه یابد.

تاریخ انفاذ

ماده هفتاد و هشتم:

- (1) این قانون از آغاز سال مالی بعد از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ میباشد.
- (2) با انفاذ این قانون، قانون مالیات بر عایدات منتشره جریده رسمی شماره 976 سال 1387 هـ ش و تعدیلات بعدی در و سایر احكام مغایر آن ملغی شمرده میشود.